

محمدعلی مشفق معاون وزیر کشور دوره اصلاحات:

دولت در بهبود اوضاع داخلی تاخیر دارد



زینب نورانیان

z.noranian@fdn.ir

و بخشداران و پترین عملکرد سیاسی دولت به حساب می‌آید. گرچه انتظار بود پس از این انتخاب، حداقل سیاست‌ها و شعارهایی که برای تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری در عرصه داخلی به مردم داده بود از سوی وزیر اصولگرای کشور اجرایی شود، اما چنین نشد و بعد از گذشت یک سال و ۹ ماه از زمان آغاز به کار دولت اعتدال‌گرای یازدهم همچنان مشی فکری و اعتقادی دولت برای بهبود اوضاع داخلی کم است و نمی‌تواند در یک سال باقی مانده از عمرش تمامی سیاست‌های خود را عملیاتی و اجرایی کند.

آقای روحانی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از تاکید بر حل مشکلات اقتصادی و سیاست خارجی بر لزوم حل مشکلات داخلی تاکید داشتند و اوضاع داخلی را هم نابسامان ارزیابی می‌کردند؛ اما بعد از اینکه ایشان به پاس‌تور راه یافتند تمرکز دولت بر حل مشکلات اقتصادی و خارجی قرار گرفت، چرا رسیدگی به اوضاع داخلی و عمل به وعده‌هایی که در عرصه سیاست‌های داخلی داده شده بود، به تاخیر افتاده است؟

ساختار قانون اساسی و ساختار قدرت منبعت از آن به‌گونه‌ای طراحی شده

است که رئیس‌جمهوری برای عملی کردن برنامه‌ها و شعارهای خود نیازمند موافقت مجلس است. اگر مجلس لوائح پیشنهادی را تصویب نکند طبیعی است که ریاست‌جمهوری نمی‌تواند برنامه‌ها و شعارهای داده شده را عملی کند. اکنون رئیس‌جمهوری با مجلسی مواجه است که اکثریت نمایندگان آن در تقابل با سیاست‌های دولت هستند، به‌طوری که آنان حتی رای آوردن آقای روحانی را تاکنون برننایده‌اند و به همین دلیل دولت در هر عرصه‌ای که قدمی برمی‌دارد عملاً بهانه می‌گیرند یا علناً در مسیر دولت با اشکال مختلف سنگ‌اندازی می‌کنند. بنابراین دولت یازدهم در واقع با مجلسی مخالف روبه‌روست و عملاً بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌هایی که آقای روحانی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری داده بود با مخالفت مجلس مواجه بوده و هست و هر روز از دیکته دولت روحانی غلط می‌گیرند.

بنابراین دولت آقای روحانی با چنین مجلسی قادر نخواهد بود به بسیاری از وعده‌هایی که به مردم در عرصه داخلی داده است جامه‌عمل بپوشاند. یکی از دلایل اصلی عدم‌موفقیت دولت در عرصه سیاست‌های داخلی وزیر کشور و مدیران اجرایی است که به نمایندگی از دولت در سطح استان‌ها به‌کار گرفته شده‌اند که کمترین همخوانی با جهت‌گیری‌ها و شعارها و وعده‌هایی که آقای روحانی داده‌اند دارند و تیمی که اکنون در وزارت کشور توسط وزارت کشور به‌کار گرفته شده‌اند و هدایت راهبری سیاست داخلی در سطح ملی را دنبال می‌کند، متأسفانه فاقد تخصص و توانایی لازم برای اداره امور داخلی کشور در شرایط کنونی، که گروه‌های فشار هم به صورت سازمان یافته‌تر

فعال شده‌اند، است. هر چند اگر آقای روحانی وزیر کشوری را معرفی می‌کرد که با شعارهایش هماهنگ و همسو باشد طبیعی است که در چیش دولت‌های محلی از جمله استانداران هم شرایط متفاوت می‌شد و می‌توانست به صورت مطلوب‌تری سیاست‌های دولت را اجرا کند. از سوی دیگر جابه‌جایی‌ها در وزارت کشور و استان‌ها که آقای روحانی‌فضلی در راس تمشیت آن قرار دارد، بسیار محدود بوده و می‌توان ادعا کرد که بالای ۷۰ تا ۶۰ درصد از مدیران دولت گذشته هنوز بر سر کار خود هستند و رئیس‌جمهوری اکنون

می‌خواهد سیاست‌های داخلی خود را با مدیرانی هدایت کند که وابستگی فکری به آقای احمدی‌نژاد دارند و اعتقاد کمی به سیاست‌های دولت اعتدال دارند. اگر چه ممکن است به صورت دستوری این سیاست‌ها را اجرا کنند، اما چون آنها باوری به این سیاست‌ها ندارند عملاً کاری پیش نمی‌رود. گروه‌های فشار به راحتی و بدون اینکه با آنان برخورد

شود به مراسم و سخنرانان و ... حمله می‌کنند و اجازه نمی‌دهند حتی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی هم صدای فلان نماینده مجلس که این اقلیت بسیار ناچیز آن را نمی‌پسندند، شنیده شود و خیلی از کسانی که منافع‌شان با به هم زدن و قانون‌شکنی گره خورده است از این حرکت‌های غیرقانونی دفاع می‌کنند و از مصونیت هم برخوردارند. فشارهای نمایندگان مجلس در استان‌ها هم باعث شده است که وزرای دولت آقای روحانی محدود شوند، در حالی که کار مجلس قانون‌گذاری و اجرای قوانین است و شان دیگری ندارد.

خیلی‌ها بر این اعتقادند که روحانی خواسته اول مذاکرات هسته‌ای و اوضاع اقتصادی را سامان بدهد و پس از آن به معماری و تجدید نظر سیاست داخلی

مبادرت کند. من فکر می‌کنم این یکی از اشتباه‌های استراتژیک دولت آقای روحانی است. چراکه پرداختن هم‌زمان به سامان دادن سیاست خارجی و اقتصادی و سیاست داخلی که دوروی سکه سیاست است می‌توانست تکیه‌گاه مستحکم‌تری را در پیش‌برد و سیاست‌های دولت اعم از داخلی و خارجی را در پی داشته باشد. متأسفانه این تاخیر دولت اکنون

سیاست

شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ ■ ۲۰ رجب ۱۴۳۶ ■ ۹ می ۲۰۱۵ ■ شماره ۱۶۵۶



مهملی، رضا، فرهنگستان

در دوران رقابت‌های انتخاباتی تاکید شیخ دیلمات بر حل مضللات خارجی و بهبود اوضاع داخلی بود؛ اما همان زمان حسن روحانی نابسامانی‌های داخلی را یکی از عوامل به وجود آمدن معضلات اقتصادی و خارجی می‌دانست و بر این اساس بر تغییر مشی در سیاست‌های داخلی تاکید داشت. با وجود این وقتی به پاس‌تور راه یافت برخلاف عقیده‌ای که داشت اجرای وعده‌هایش برای سروسامان دادن به اوضاع داخلی را به تاخیر انداخت. شاهد این ادعا هم انتخاب وزیری نه چندان همسو با شعارهایش برای وزیر خارنه کشور بود. عبدالرضا رحمانی‌فضلی در حالی با لیخند بهارستان در راس وزارت کشور قرار گرفت که این وزارت‌خانه با توجه به دارا بودن معاونت و مدیر کل سیاسی، مدیر کل انتخابات و انتصاب استانداران، فرمانداران و بخشداران و پترین عملکرد سیاسی دولت به حساب می‌آید. گرچه انتظار بود پس از این انتخاب، حداقل سیاست‌ها و شعارهایی که برای تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری در عرصه داخلی به مردم داده بود از چنین نشد و بعد از گذشت یک سال و ۹ ماه از زمان آغاز به کار دولت اعتدال‌گرای یازدهم همچنان مشی فکری و اعتقادی دولت برای بهبود اوضاع داخلی کم است و نمی‌تواند در یک سال باقی مانده از عمرش تمامی سیاست‌های خود را عملیاتی و اجرایی کند.

نسداد و فردی را برای وزارت‌خانه‌ای که متولی امور داخلی است انتخاب کرده است که همسو با دولت نیست. آقای روحانی در شرایطی این انتخاب را انجام داده است که اکثر نمایندگان مجلس نظر مثبتی به ایشان نداشته‌اند. بنابراین تصورشان چنین بوده است که هر کس را معرفی کند نمایندگان با او موافقت نمی‌کنند. دقیقاً همان کاری که در قضیه وزیر علوم با آقای روحانی کردند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که جناب روحانی از همان ابتدا به یک دولتی که محصول مشترک ایشان و مجلس و شرایط حاکم بر ساختار موجود باشد، تن داده‌اند.

باعث شده مخالفان دولت فرصت پیدا کنند بر فشارهای خود به دولت روحانی بیفزایند و چنند گام به جلو بر دارند و دولت را در اعمال خیلی از سیاست‌هایش با مشکل مواجه کنند و در جبهه داخل و فضاسازی گسترده اعمال سیاست خارجی را هم با چالش مواجه کنند. به‌نظر می‌رسد که آقای روحانی با توجه به آرای که مردم به او دادند باید از همان اول از اختیاراتش که در قانون اساسی تصریح شده است در تعیین وزیران استفاده بیشتری می‌کرد. عقب‌نشینی دولت باعث شده است که آنان در کارهای اجرایی که مربوط به قوه مجریه است دخالت کنند و عملاً دولت را در عزل و نصب‌ها در سطوح محلی و منطقه‌ای خلع سلاح کنند و مصصول مشترکی به نام استاندار یا فرماندار و... را به دولت تحمیل کنند. آقای روحانی باید از اصل تفکیک قوا دفاع می‌کردند، اما چون از اختیارات خود در قانون اساسی استفاده نکرده‌اند، می‌بینیم که دولت در عرصه داخلی نتوانسته است از توفیق چندانی برخوردار شود.

شما علت اینکه رئیس‌جمهوری نتوانسته وعده‌هایی که در عرصه سیاست داخلی داده است را عملی کند فشار گروه‌های تندرو و به‌ویژه نمایندگان مجلس دانستید؛ اما به نظر می‌رسد دولت نیز خود عزم جدی برای اینکه سیاست‌های داخلی را اجرا کند

خلاصه گفت‌وگو

- هر روز از دیکته دولت روحانی غلط می‌گیرند.
- وزارت کشور می‌توانست به صورت مطلوب‌تری سیاست‌های دولت را اجرا کند.
- مجلس همراه تشکیل شود دست آقای روحانی باز می‌شود.
- دولت باید همراه با سامان دادن و فعال کردن دیپلماسی خارجی و اقتصادی، سیاست‌های داخلی را هم متحول کند.
- رای به آقای روحانی تغییر در رویه‌ها و رویکردها هم در سیاست خارجی و مهم‌تر در زمینه سیاست داخلی بوده است.

بررسی طرح استعلام از وزارت اطلاعات در انتصابات دولتی

طرح استعلام از وزارت اطلاعات در انتصابات دولتی در جلسه علنی این هفته بهارستان بررسی می‌شود. در پی انتصابات مدیران مورد نظر دولت یازدهم، در سال گذشته در وزارت علوم، دلوایسان مجلس اعتراض‌هایی به رضا فرجی‌دانا وزیر وقت داشتند، اما وی اعلام کرد که ملزم به استعلام از وزارت اطلاعات یا اعمال آن نیست که همین امر موجب استیضاح وی شد. علاوه بر این، شیوه انتصابات در وزارت آموزش و پرورش نیز مورد انتقاد نمایندگان بود؛ از این رو طرح الحاق یک تبصره به قانون گزینش کارکنان دولت که انتصابات را به استعلام از وزارت اطلاعات مشروط می‌کند از سوی نمایندگان تهیه شده است.

بهرتر از این عمل نکرده است؟ پاسخی روشن و اطمینان بخش نمی‌توان در این خصوص داد.

شما معتقدید دولت به خاطر فشارهای مجلس به این انتخاب تن داده که وزیری اصولگرا در راس وزارت کشور که وزارت‌خانه‌ای کلیدی است، بگذارد. آیا اگر اکثریت مجلس بعدی یا اقلیت قدرتمندی همسو با دولت باشند این امکان هست که در وزارت کشور تغییر و تحول به وجود آید و دولت قدم‌های جدی برای تحقق وعده‌های داخلی بردارد؟

حتماً، بله دولت این کار را خواهد کرد. البته این موضوع بستگی به این دارد که نحوه برخورد با داوطلبان انتخابات مجلس دهم چگونه باشد و چه کسانی بتوانند به مجلس راه یابند و آیا مجلسی که بتواند به دولت در اجرای سیاست‌های داخلی‌اش کمک کند تشکیل می‌شود یا خیر. اگر یک مجلس کارآمد و متفاوت از مجلس فعلی تشکیل شود و نمایندگان آن پرچم برخی تقابل‌ها با دولت را پایین آورند و همراه با دولت باشند دست آقای روحانی باز می‌شود و نه‌تنها در وزارت کشور بلکه در سایر وزارتخانه‌ها نیز تجدید نظر خواهند کرد چرا که اکنون بیشتر مدیران استانی همسو با دولت نیستند

حتی اگر چنین اتفاقی هم بیفتد و مجلس دهم کاملاً همسو با دولت باشد آیا دو سال فرصت کافی است که دولت بتواند وعده‌هایی که در عرصه سیاست داخلی داده است را محقق کند؟ درست است؛ دولت نمی‌تواند درردسال باقی مانده از عمرش تمامی سیاست‌های خود را عملی و اجرا کند و این زمان اصلاً کافی نیست. به همین دلیل تاکید شد که دولت باید همراه با سامان دادن و فعال کردن دیپلماسی خارجی و اقتصادی، سیاست‌های داخلی را هم متحول کند.

این تعلل چه ضربه‌ای به وجهه دولت وارد کرده است؟

اگر دولت آقای روحانی موفق به تجدید نظر در سیاست‌های داخلی نشود بسیاری از آرای خود را از دست خواهد داد و پایگاه اجتماعی دولت ضعیف خواهد شد؛ چون مردم به امید تغییر به آقای روحانی رای دادند و یکی از دلایل

رای به آقای روحانی تغییر در رویه‌ها و رویکردها هم در سیاست خارجی و مهم‌تر در زمینه سیاست داخلی بوده است. مردم وقتی می‌بینند که امنیت یک سخنرانی قانونی تامین و تضمین نمی‌شود و با متخلفان از قانون برخورد نمی‌شود، اعتمادشان سلب می‌شود.

موضوع تامین امنیت در استان‌ها برعهده مدیران استانی زیر نظر وزارت کشور

است اما چرا دولت و در راس آن آقای روحانی اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهند و حتی وزیر کشور تذکری دریافت نمی‌کنند؟ برداشت من این است که آقای روحانی‌فضلی را باید از منظر آقای روحانی ببینیم که آیا واقعاً رئیس‌جمهوری هم همان برداشت را از رحمانی‌فضلی دارند که برخی دارند و آیا ایشان هم وزیر کشور را همراه با دولت نمی‌دانند؟! به عقیده من آقای روحانی برداشت این چنینی ندارند.

یعنی شما معتقدید دولت از انتخاب استانداران و فرمانداران و در کل از عملکرد مجموعه وزارت کشور راضی است؟ بله دقیقاً استانداران را هیات دولت انتخاب می‌کند و با رای هیات دولت است که فرد استاندار می‌شود. یعنی این استاندار فقط استاندار آقای رحمانی‌فضلی نیست بلکه استاندار دولت و نماینده عالی دولت هم هست. اگر دولت مخالفت داشته باشد به آن فرد پیشنهادی وزارت رای نمی‌دهد. اگر استانداری عملکردی همسو با دولت ندارد نباید ما همه را از چشم وزارت کشور ببینیم؛ دولت هم مقصر است چون ظرافت و دقت به خرج نداده است.



ایستگاه

گفت‌وگو با محمدتقی فاضل‌میبدی درباره شورای رهبری

اکنون فقیه جامع الشرایطی مانند آیت‌الله خامنه‌ای نداریم

شورایی متشکل از سه تا پنج نفر که عهده‌دار اداره کشور می‌شوند. طرحی که از ابتدای انقلاب و در «مجلس خبرگان قانون اساسی» ارائه و مانند بسیاری از اصول دیگر قانون اساسی با وجود موافقان و مخالفان در قانون گنجانده شد. این طرح در صورتی قابلیت اجرایی شدن داشت که فقیه واجدالشرايط رهبری وجود نداشته باشد. اما بعد از رحلت حضرت امام(ره) و اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸، این قسمت حذف می‌شود. حالا بعد از گذشت حدود ۲۶ سال از اصلاح قانون اساسی برخی علما و دلسوزان کشور به انحای مختلف درباره این موضوع به بحث پرداخته‌اند. آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی یکی از چهره‌هایی به شمار می‌رود که در این‌باره صاحب نظریه است، البته در مقابل این پیشنهاد با مخالفت‌های بسیاری هم روبه‌رو شده است. محمدتقی فاضل‌میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم و استاد دانشگاه این پیشنهاد را طرحی عنوان می‌کند که باید روی آن بررسی و کارشناسی انجام شود.

۱۱۱

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی چندین بار در باره نظریه امکان شورایی اداره شدن رهبری در آینده صحبت کرده‌اند، اما برخی با این دیدگاه مخالف هستند. نظر شما درباره این دو دیدگاه چیست؟

واقعیت این است که این دو دیدگاه هر دو بجا هستند. آقای هاشمی نگران این هستند که در آینده، این کشور به دست چه کسانی خواهد افتاد. به این دلیل که در حال حاضر فقیه جامع‌الشرایطی که دنیا را بشناسد و سابقه درخشان در انقلاب داشته باشد، همچنین آن نگاه بلند و خاص امام(ره) و آیت‌الله‌خامنه‌ای را داشته باشد، واقعاً وجود ندارد. بنابراین در حوزه علمیه و میان علما و مراجع هم اتفاق بر یک نفر کار سختی است. آقای هاشمی بحث شورایی شدن رهبری را پیش کشیده به این دلیل که در شورایی ممکن است دعوایها با اختلاف‌نظرها یا خطاها کمتر باشد. البته باید در نظر داشت که ایشان این مطلب را مطرح کرده‌اند که روی آن بحث شود نه اینکه حتماً اجرایی شود. می‌توان بر سر مباحث و مسائل مختلف آن بحث کرد. به نظر من آقای هاشمی از بسیاری از این آقایانی که اظهارنظر می‌کنند دلسوزی کمتری برای آینده کشور ندارد، اسلام را هم کمتر نشناخته و سابقه کمتری هم در انقلاب ندارد اما نمی‌توان این را هم گفت که نظر آقای هاشمی درست است و مابقی اشتباه است. به هر حال باید کارشناسانه این نظرات را مورد توجه قرار داد.

شاید برخی نگران اسلام و اجرای قوانین اسلامی هستند؟ اینکه مطرح می‌شود اسلام، منظورشان کدام اسلام است؟ در حال حاضر چندین تفسیر از اسلام وجود دارد. هر کسی برای خود تفسیری از اسلام دارد. اگر تفسیری که برخی از اسلام دارند بخواهد در کشور اجرا شود من معتقد هستم که کشور با یک بحران عظیم روبه‌رو خواهد شد.

به نظر شما اینکه مطرح می‌شود رهبری در آینده به صورت شورایی اداره شود، گذشته از اینکه برخی نیز آن را قبول ندارند، ممکن است؟ اینها صحبت‌های کارشناسی است و نمی‌توان گفت کدام بهتر است. اما اگر ما می‌خواهیم کشور را براساس اسلام اداره کنیم باید مشخص کنیم که کدام اسلام؟

آیا براساس اصلاحی که در سال ۶۸ بر قانون اساسی انجام شده است، امکان شورایی اداره کردن کشور وجود دارد؟ نه، این روش باید به رفراندوم گذاشته و قانون اساسی اصلاح شود. بحث شورایی شدن از قانون اساسی حذف شده است و نمی‌توان برخلاف قانون اساسی عمل کرد، بنابراین باید آن را اصلاح کرد.

به نظر من اگر مشکلات این طرح شورایی اداره کردن از نظر قانونی حل شود و قرار باشد اجرایی شود زمانی درست است که در آن شورا تنها از فقها تشکیل نشده باشد. حقوقدان‌ها، علمای سیاست و افراد متخصص در اداره حکومت هم باشند، با مجموعه‌ای به این شکل می‌توان کشور را اداره کرد.

منظور شما این است سه تا پنج نفری که مطرح شده بود در شورای رهبری باشند مجموعه‌ای از افراد با تخصص‌های لازم برای این کار باشند و تنها یک وجه افراد منتخب‌مدنظر قرار نگیرد؟ اعتقاد من بر این است که اگر همه این افراد را فقها تشکیل دهند مشکلی را حل نخواهد کرد. در جامعه یک حکم وجود دارد و یک موضوع فقیه حکم را می‌داند اما ممکن است موضوع را نشناسد، مشکل ما در جامعه موضوعات است.

یکی از انتقادهایی که به شورایی اداره کردن کشور وارد می‌شود این است که در قانون اساسی ۵۸، نمونه دیگری از شورایی اداره کردن‌ها وجود داشته است مانند شورای عالی قضایی که با شگفتی روبه‌رو شده است. این قضیه وجود دارد که به فرض اجرایی‌شدن این روش چه تضمینی برای درست اجرا شدن و شکست نخوردن آن وجود دارد؟

مشکل از نص شورا نیست، مشکل اینجاست که ما مشق دموکراسی نکرده‌ایم و همه می‌خواهیم حرف خود را به کرسی بنشانیم.

در همین بحث ایراد دیگری هم وجود دارد و آن این است که معتقدند با روش شورایی تمرکز رهبری را بین خواهد رفت. حتی با روشی که شما می‌گویید یعنی وجود افرادی با تخصص‌های متفاوت به هر حال نظرات متفاوت را به وجود می‌آورد. این موضوع آیا خودبه‌خود باعث اختلاف‌افکنی نمی‌شود؟ درباره این مساله باید بحث کارشناسی انجام و درباره آن فکر شود.

درست است اما این ذهنیت ایجاد می‌شود که به فرض اینکه شورای رهبری تشکیل شود، اختلاف سلیقه‌های موجود را چگونه باید حل کرد؟ این بحث دوم است. ابتدا باید بحث شود که کشور شورایی یا فردی اداره شود. به نظر من هرکدام معایب و مزایایی دارند. با توجه به اینکه در افراد موجود در کشور شرایط لازم که پیش از این هم گفتم وجود ندارد، هر کسی بخواهد این مسئولیت را قبول کند ممکن است مشکلاتی داشته باشیم.

اما وجود چند نفر در کنار هم به اختلافات دامن می‌زند؟ به هر حال اختلاف در همه‌جا وجود دارد.